



۲۰۱۶/۱۱/۲۳



مصطفی «عمرزی»

ادارات دولتی، باید مسوول شوند! (باید ها در برابر کلماتی چون کلمه ی خراسان)

این که کلمه ی «خراسان»، چه مساله ای را افاده می کند، برای کسانی که تاریخ می دانند و نکته فهم اند، جاذبه ای به وجود نمی آورد، اما برای کسانی که دنبال کار و کاسبی اند، هر چیزی که باعث جلب توجه شود و مشتری را «سرکبسه» کند، خوب است.



بررسی تاریخی نشان می دهد که چیزی با نام خراسان، نه کشوری بوده است و نه وحدتی را افاده می کند که بر اساس آن، واحد مردمی مشخص را تعریف کرد. این کلمه در کنار ده ها کلمه ی دیگر که همه در مسیر تاریخ حذف شده اند و یا با نام کشور های کنونی (مانند افغانستان ما) بقا یافته اند، چیزی بیشتر از یک حوزه ی بی سر و ته نیست که یکی با تعریف ده متر و دیگری با تعریف چند ولایت، آن را شرح داده اند و هرگز در قالب کشوری که ملت خراسانی بسازد، شناخته نمی شود.

تا پیش از تهاجم شوروی در افغانستان، حاکمیت های افغانستان با کار در حوزه ی تاریخ و فرهنگ که مقداری برای رقابت منفی با ایران، بزرگنمایی و جعلکاری می شد، نام هایی را با اشتباهات فاحشی چون آریانا، آریایی و سوء تفسیر های پیرامون خراسان و فارسی را آن قدر در ذهن مردم جادادند که اگر روزی فکر می کردند این مزخرفات، جزو اجندا های بیگانه قرار خواهند گرفت و در بستری که مردم از ناملایمات رنج می برند، باعث اذیت خواهند شد، هرگز خودشان را آن قدر غرق نمی کردند تا روزی در برابر ما سبز شود که واقعیت های مستند ما (افغان و افغانستان) در برابر جعلیات و مزخرفات، رقیب مصنوعی داشته باشند.

متأسفانه آوردن نام هایی که دربرگیرنده ی هیچ مشخصه ای نیستند (آریایی و خراسانی) مردم را با سر و صدا ها و هیاهویی که با آزادی بیان و به اصطلاح دیموکراسی، به راه می اندازند، دچار چنان ذهنیت هایی کرده اند که راه حل تمامی معضلات را فقط در حد تغییر نام ها، بشمارند. چنان چه بار ها تذکر داده ام اگر قرار باشد با تغییر اسم، ماهیت مشکلات تغییر یابد، من حاضریم در این صف بایستم و پیشنهاد می کنم اولتر از همه، نام شیطان را تغییر دهیم، تا راحتی از جان ما، آغاز یابد.

برای روشنگری پیرامون جعلیات، دروغ ها و تفسیر های نادرست، نه فقط اقدامات زیادی کرده ایم، بل با چاپ و انتشار کتاب هایی که ادامه خواهند یافت، در حرکت های خودجوش و مسوولانه ای که متأسفانه از کمترین حمایت به اصطلاح طرفداران منافع، ارزش ها، افغان و افغانستان بهره مند نشده اند، پرده از روی نابکاری هایی بر خواهیم داشت که متأسفانه بیش از نیم قرن است که ما را با مزخرفاتی چون آریایی، خراسانی، شاهنامه ی فردوسی، زردشت، پارسی و فارسی بازی داده اند و وقتی منفعلی می شویم، بی تفاوتی ما که متأسفانه با دیموکراسی، خیلی جدی شده است، بازار استفاده های گوناگون بدترین دشمنان داخلی و خارجی را فراهم می آورد.

افغانان وطنپرست، آگاه، تحصیلکرده و حساس، در حد خود در برابر ذهنیت دهی های منفی در برابر افغانان و افغانستان، کار هایی کرده اند، اما کام ما، زمانی تلخ می شود که صد ها اداره و نهاد دولتی که به ظاهر با ده ها نامزد اکادمیسین، پوهاند، سرمحقق و غیره، روز و شب، سرمایه های دولتی را هدر می دهند و نتیجه ی کار اکثر آنان، وزن کردن، کاستی و افزودی بر تکرار مکررات است، چرا در برابر موجی از مداخله که گاهی از میان آنان، آن را تهاجم فرهنگی عنوان می کنند، فعال نیستند؟ تا چه زمانی در این بازار آزاد، هرچه دلخواه دشمنان باشد بفروشند و خریدارش مردم عوام ما شوند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني دليکنيزي بڼي پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

تا چه زمانی کسانی را تحمل کنیم که فقط با مقداری عصبیت قومی، ذهنیت های حزبی و عقب مانده گی های فکری، تنها برای کاسبی خودشان ابراز وجود می کنند و در تمام حاکمیت کرسی، کتابی چاپ کرده اند تا رتبه ی علمی به دست آورند و یا هم با عصبیت و گرایش های منفی، بر پستی ابقا می شوند و نیز برای سیر و سیاحت، همفکری ایجاد می کنند که خوش باشند. این قشر طفیلی که ظاهراً محترم اند، در برابر مردم و منافع ما، مسوول اند.

چرا در فضایی که با شدیدترین مداخلات فرهنگی و فزیک دشمنان، مواجه هستیم، کسانی به کار انداخته نمی شوند که اگر در سوی دیگر آنان، پولیس و اردو می جنگند، این طالبان احترام که هرگز لایقش نیستند، مدیریت نمی شوند تا حداقل وقتی چند مرغ پرست (خراسانی) یاوه گویی و هذیان می گویند، حداقل با یک توضیح مقاله یی نیز جلو آنان را بگیرند.

سوگمندان و اکنش نهاد ها و ادارات دولتی- فرهنگی ما در برابر مداخله و مزدور منشی بیگانه گان، نه فقط مهم نیست، بل برای آن که خود را در برابر موقعیت ها، پول ها و ظاهر محترمانه، وقایه کرده باشند، با بهانه ی این که طرف، طرف ما نیست، مفتخوارانی شده اند که اگر تنی چند را در میان آنان، استنثا سازیم، اکثریت بدنه ی فرهنگی و رسانه یی حکومت، در سیزده سال گذشته، چنان دوسیه ی جنایی دارند که هرگز، باید و شاید، از افغانستان و تاریخ واقعی اش، دفاع نکرده اند.

من می دانم میراث های غلطی که به خصوص در حاکمیت کمونیستی، رنگ و بال دیگر گرفتند، چه گونه پیش زمینه هایی شدند برای روز هایی که همیشه با نزول خارجی و بیگانه، به همراه می شوند. بخشی از ادبیات نا هنجار و متنی از تواریخ جعلی، پروژه هایی بودند که کمونیستان پرچمی و ستمی بنیان نهادند و امروز با کمک بیگانه، تصنیف می کنند که فکر کنم آهنگ «دل ماست پاری» و خر و پف و خراسانی، در همین مسیر، در بازار آزاد افغانستان، فروشی شدند.

تقاضای ما از حاکمیت و آن مسوولان بی خبر و ناآگاه اش این است که تا چه زمانی معدودی از آن افغانانی که اگر توان دارند، ناچیز است و اگر اراده کرده اند خودباخته نباشیم، مفت و مجانی کار کنند تا در برابر چشمان آنان، تعدادی رفع مسوولیت کنند و به گونه ای در کار چپاول با دشمنان، شریک باشند که باکی نیست! دیموکراسی داریم. تا زمانی که معدود کتاب هایی را در جهت ایجاد ذهنیت های نو و مثبت، به تنهایی منتشر کرده ایم و بسیار کوشیده ایم با چاپ این کتاب ها، با بحث های تاریخی و کالا های جعلی، مشکلات قومی ما حاد نشود، کمتر نشانی یا آدرسی وجود داشته است که چیزی بیشتر از ما (استنثات)، در جهت دفاع از کشور و مملکت، ارایه کرده باشد.

آیا این فاجعه نیست که فقط تنی چند با امکانات خصوصی و شخصی، در حالی که از کمترین حمایت حامیان تنظیمیان و حامیان خاینانی که با کمترین فشار، باج داده اند و بر اثر این کردار، بدترین دشمنان این ملت، از میلیونران اند، در حاشیه ی بی توجهی ها، بتیند و اما کسی از خودش نپرسد که اگر تا هنوز نتوانسته اند واقعیت های مستند ما (افغانستان و افغان) را دفن کنند، بر اثر همت، غیرت و تلاش کسانی ست که وقتی ناگزیر اند برای رفع معضل اقتصادی، در صف متقاضیان حمایت بیایستند، چیزی شبیه مزاحم می شوند.

سوگند به پروردگار که اگر همت کسانی همانند سیستانی ها، هاشمیان ها، معروفی ها، یون ها، رفیع ها، لیوال ها و حتی همان طالبان مسلح و اما مسلمان و افغان نمی بود، زعامت های بالایی در سیزده سال گذشته و کنون، حتی جرات نمی کردند در برابر هتک حرمت و پخش اکاذیب موتلفان تنظیمی و قومگرای خویش، از نام افغان و افغانستان حرفی بگویند؛ بنابراین، لطفاً نهاد ها و ادارات دولتی را مدیریت و مسوول کنید! نیرو هایی که «خدایی خدمتگار» اند، آب حیات خورده اند!